


An Inquiry into the Characteristics of True Guides as a Solution for Confronting the Social Deviation of "Sacred Ignorance" in the Thought of Şadr al-Muta'allihīn (A Case Study of the Treatises *Three Principles* and *The Smashing of the Idols of Ignorance*)

Zahra Abyar  / Assistant Professor, Department of Islamic Teachings Education, Farhangian University, Tehran, Iran

Abyar.z@cfu.ac.ir

Received: 2025/05/31 - Accepted: 2025/07/29

Abstract

In his two books, *The Smashing of the Idols of Ignorance* and the treatise *Three Principles*, Şadr al-Muta'allihīn addressed the social crisis of "Sacred Ignorance" that had taken shape in his society and sought to bring about a social revolution and transformation by shattering the idols of ignorance. In this social transformation, for society to be placed on the path of social justice and to achieve the virtuous society, it is essential that the primary mission of philosophy and wisdom—the establishment of justice and the negation of oppression and tyranny—be carried out. This requires the recognition of true guides (the mystic and the sage) in society. In the absence of such guides, numerous power groups in the guise of Sufis and mystics have led to the prevalence of religious literalism and the undermining of religion. Given the importance of this issue, this article employs qualitative thematic analysis to investigate this matter in the two treatises of Şadr al-Muta'allihīn. The analysis of basic and organizing themes reveals eight overarching themes—knowledge-oriented, refined, mindful of God, concealed, death-contemplative, practicing disassociation and allegiance, striving guide, and effusive—as characteristics of true guides in a crisis-ridden society. Considering that the crisis of ignorance will lead to great tribulations in Islamic society, Şadr al-Muta'allihīn presents the characteristics of true guides as a solution for confronting this literalist interpretation of religion.

Keywords: Şadr al-Muta'allihīn (Mullā Şadrā), Treatise of Three Principles, Treatise on the Smashing of the Idols of Ignorance, ignorance, mystics

واکاوی مختصات راهبران راستین به مثابه راه‌حلی در مواجهه با انحراف اجتماعی جاهلیت مقدس در اندیشه صدر المتألهین (مورد مطالعه رساله سه اصل و کسر اصنام الجاهلیه)

Abyar.z@cfu.ac.ir

زهرا آبیاری /  استادیار گروه آموزش معارف اسلامی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران

دریافت: ۱۴۰۴/۰۳/۱۰ - پذیرش: ۱۴۰۴/۰۵/۰۷

چکیده

صدر المتألهین در دو کتاب «کسر اصنام الجاهلیه» و «رساله سه اصل» به بحران اجتماعی جاهلیت مقدس شکل گرفته در جامعه خود پرداخته و در پی انکسار بت‌های جاهلیت، انقلاب و تحول اجتماعی را ایجاد کرده است. در این تحول اجتماعی جهت قرار گرفتن جامعه در مسیر عدالت اجتماعی و دستیابی به جامعه فاضله، بایسته است رسالت اصلی فلسفه و حکمت که برقراری عدالت و نفی ظلم و جور است اجرا شود. این امر نیازمند شناخت راهبران راستین (عارف و حکیم) در جامعه است که در پی فقدان این راهبران، گروه‌های متعدد قدرت در کسوت صوفی و عارف منجر به شیوع ظاهرگرایی در دین و هدم دین شده‌اند. نظر به اهمیت این مسئله در این مقاله با روش کیفی تحلیل مضمون این مهم، در دو رساله صدر المتألهین واکاوی شد. تجزیه و تحلیل مضامین پایه و سازمان‌دهنده، هشت مضمون فراگیر معرفت‌گرا، مهذب، ذاکر، مستور، مرگ‌اندیش، تبری و تولی، مجاهد هدایت‌گر و فیض بخش را به‌عنوان خصایص راهبران راستین در جامعه بحران‌زده نشان می‌دهد. نظر به اینکه بحران جاهلیت فتنه‌های عظیمی را در جامعه اسلامی در پی خواهد داشت، صدر المتألهین ارائه مختصات راهبران واقعی را به‌عنوان راه‌حل جهت مواجهه با این تفسیر ظاهرگرایانه از دین می‌داند.

کلیدواژه‌ها: صدر المتألهین، رساله سه اصل، رساله کسر اصنام الجاهلیه، جاهلیت، عرفا.

مقدمه

جهالت از نظر صدرالمتألهین یکی از معضلات عصر اوست که از حالت فردی به پدیده جمعی تبدیل شده و با پوشش تقدس، مبارزه و مقابله با آن را با دشواری روبه‌رو نموده (صدرالمتألهین، ۱۳۷۱، ص ۳۲) و این وضعیت به یک بحران تبدیل شده است. صدرا معتقد است که وجود بت‌ها، پشتوانه این جهالت اجتماعی مقدس است. منظور از بت نیز اعم از شیء، شخص یا رویه فکری است که در ذهن و دل‌ها رسوب کرده و هرگونه انکار یا تغییر آن، با مقاومت و سختی همراه است (امامی‌جمعه، ۱۴۰۳، ص ۳۴۳). جهالتی که ملاصدرا وظیفه خود را مقابله با آن می‌داندست، ضمن دو ویژگی بالا (پشتوانه بت‌ها و مقدس بودن) با شکل‌گیری گروه‌های قدرت جدیدی که در کسوت حکما، عرفا و فقها نمود یافته، همراه است. به تعبیری دیگر، ریشه اصلی بحران اجتماعی جهالت، در شکل‌گیری گروه‌هایی در کسوت متصوفه، عرفا، حکما، فقها و علماست (صدرالمتألهین، ۱۳۷۱، ص ۵۱)، تا بدانجا که آنان با دستگاه حکومتی جائر همکاری می‌کنند و فتاوی‌ای ظالمانه صادر می‌کنند (صدرالمتألهین، ۱۳۷۱، ص ۵۴). به همین علت صدرالمتألهین رسالت صوفی، عارف، فقیه و حکیم راستین را مبارزه با ظلم‌ها، برقراری عدالت و توجه به مردم می‌داند (صدرالمتألهین، ۱۳۷۱، ص ۶۴). در چنین شرایطی ملاصدرا به‌عنوان فیلسوف اجتماعی، رسالت خود را مقابله با این بحران دانسته و دو اثر *کسر اصنام الجاهلیه* و *رساله سه اصل* را در همین راستا نگاشته است.

رساله سه اصل یک نوشتار معرفه‌النفسی است که در سه اصل نگاشته شده و هر سه اصل آن در مورد شناختن نفس و حقیقت خویشتن انسان است. اصل اول بیانگر پیامدهای نداشتن معرفت نفس، اصل دوم بیانگر نحوه وجود آدمی و اصل سوم عهده‌دار بیان نقش عقل و غلبه آن بر خیال و وهم در خودشناسی است. آنچه این رساله را در میان کتاب‌ها و رساله‌های اخلاقی و معرفه‌النفسی برجسته می‌کند و متأسفانه کمتر بدان توجه شده، این است که این رساله یک رساله تمام‌عیار در فلسفه اجتماعی حکمت متعالیه است (امامی‌جمعه، ۱۴۰۳، ص ۳۰۸). ایشان بعد از نقل سه اصل، به بیان پیامدهای این سه اصل در خطاب با جاهلان و عالم‌نمایان می‌پردازد *کسر اصنام الجاهلیه* نیز یکی از شاهکارهای صدرالمتألهین در فلسفه اجتماعی حکمت متعالیه است. جاهلیتی که ملاصدرا در این کتاب هدف گرفته، «ناظر به یک بحران اجتماعی - تاریخی است که جامعه آن زمان ملاصدرا در آن فرو رفته است» (امامی‌جمعه، ۱۴۰۳، ص ۳۱۱). از نظر صدرالمتألهین این بحران نیازمند «انکسار» است (صدرالمتألهین، ۱۳۷۱، ص ۳۲). کسر، ناظر به عمل در جهت تغییر و ایجاد یک چرخش در رویکرد و عملکرد اجتماعی است. البته کسر معطوف و مسبوق به یک تغییر روشنگرایانه است؛ زیرا باید جهالت آنچه معرفت‌پنداشته شود و صورت بت به خود گرفته با لعاب مقدس بودن، برملا شود (امامی‌جمعه، ۱۴۰۳، ص ۳۴۴). همچنین

«کسر» ناظر به راه حل ملاصدرا برای برون رفت از این معضل فراگیر و عمیق اجتماعی نزدیک به انقلاب است؛ به تعبیری دیگر صدرا در این کتاب کاملاً در چهره یک انقلابی ظاهر شده است و ضمن نقادی و ریشه‌یابی وضعیت اجتماعی سیاسی و فرهنگی جامعه ایران در زمان خود، قائل به حاکمیت یک جاهلیتی شده که این جاهلیت هم همچون جاهلیت اولیه قبل از اسلام، قائم به بت‌هایی است، اما این بت‌ها سنگی و چوبی نیستند و اصلاً شیء نیستند، بلکه اشخاص هستند و در حقیقت بت‌های اجتماعی و فرهنگی هستند که باید شکسته شوند تا جامعه از اینجا محیط خارج شود (امامی جمعه، ۱۳۹۵، ص ۱۶۷). واژه «اصنام» نیز ناظر به یک ریشه‌یابی و کالبدشکافی است که ملاصدرا در مورد بحران زمانه خود به عمل آورده است. وی در این رساله بدون پرده و هیچ نوع محافظه‌کاری نقد این وضعیت اجتماعی و سیاسی را پرداخته است.

برخی معتقدند آنچه صدرالمتألهین در این دو کتاب در نقد صوفی‌نمایان و متشبهین به تصوف بدان پرداخته، امر تازه‌ای نیست و به نوعی می‌توان گفت در طول تاریخ قبل از ایشان نیز بزرگان صوفیه این ضرورت را درک کرده بودند (عین‌القضات همدانی، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۶۸؛ ج ۳، ص ۳۶۲-۳۶۳؛ غزالی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۴۴۱-۴۴۲؛ خرقانی، ۱۳۹۴، ص ۱۵۷)؛ اما آنچه در زمان صدرالمتألهین بدیع و مهم بود آنکه چون تصوف ماهیت شیعی یافته بود با حکمت جمع شده و تصوف و فقه در این دوره، نزد جاهلان حکیم‌نما و دانشمندان (صدرالمتألهین، ۱۳۷۷، ص ۳۷ و ۷۶؛ ۱۳۷۱، ص ۴۲ و ۲۵) به وسیله‌ای در دست حکومت جائر تبدیل شده بود و پیامدهای خاصی را بر جای گذاشته بود که بعدها در تاریخ تفکر اسلامی در ایران، تأثیر جدی نهاد (پازوکی، ۱۳۸۳، ص ۴۳).

صدرالمتألهین در رساله *سه اصل* تک‌تک افراد جامعه را خطاب قرار می‌دهد که ویژگی عارف و حکیم راستین را بشناسند (صدرالمتألهین، ۱۳۷۱، ص ۱۶۱) و بفهمند چه کسی در جایگاه واقعی راهبری و هدایت قرار گرفته است، بدین علت که راهبران راستین با وجود خصایصی که در این دو کتاب بیان شده، می‌توانند به‌عنوان حکیمی خیرخواه و حامی مردم، به مقابله با زورگویان پرداخته تا زمینه تحقق عدالت در جامعه فراهم شود و جامعه در مسیر سیر الی الله قرار گیرد؛ زیرا حکمت متعالیه با هدف اصلاح و تکمیل عقل عملی (صدرالمتألهین، ۱۹۸۱، ج ۱، ص ۲۰) تنها در بستر زیست اجتماعی قابل تحقق است. از این رو شناسایی انسان‌هایی که در بستر جامعه به اجرای عدالت و در نهایت سیر حرکت تکاملی انسان مدد رسانند ضرورت دارد. نظر به اهمیت و ضرورت این امر، در این مقاله با روش کیفی تحلیل مضمون، دو رساله مذکور، واکاوی شد و مضامینی که بیانگر مختصات راهبران راستین است، به‌مثابه راه‌حلی در رفع بحران جاهلیت پرداخته شد.

هرچند مطالعه مستقلی که به نحو خاص به این دو اثر پرداخته باشد و خصایص راهبران راستین را به نحو موردی در این دو رساله واکاوی نموده باشد، یافت نشد، اما نزدیک‌ترین مطالعات به این مقاله عبارت است از:

آبیار و آبیار (۱۴۰۰) در مقاله «خوانش قرآنی ملاصدرا در پاسخ به انحرافات فکری و فرهنگی عارف‌نمایان عصر (با تأکید بر کتاب کسر اصنام الجاهلیه)» با روش توصیفی - تحلیلی معضلات زمانه، چون رد افکار و انحرافات فکری صوفیان در کتاب کسر اصنام الجاهلیه صوفیان را مورد توجه قرار داده است. امامی‌جمعه (۱۳۹۵) نیز در کتاب سیر تحول مکتب فلسفی اصفهان از ابن‌سینا تا ملاصدرا بدین ضرورت پرداخته است.

ملکی و دیگران (۱۴۰۰) نیز در مقاله «بررسی تبعات اجتماعی، فرهنگی و اخلاقی الهیات ظاهر‌گرایانه از منظر ملاصدرا» خصایصی همچون فراگیری جهل، تعصب، ریاکاری، گسترش فساد و دنیاگرایی، پیدایش شبه‌علماء، از بین رفتن عدالت و گسترش ظلم را ویژگی عصر ملاصدرا دانسته و آن را در آثار وی بررسی نموده است.

جدیدترین مطالعه در کتاب درآمدی بر فلسفه اجتماعی حکمت متعالیه (امامی‌جمعه، ۱۴۰۳) است که در یکی از فصول به‌صورت اجمال در بحث از جاهلیت در عصر صدرالمتألهین به دو کتاب پرداخته شده است؛ اما انجام یک کار به‌صورت تفکیکی و خاص در عین حال روشمند با رویکردی کیفی، انجام نشده و این مقاله از این نظر نیز دارای نوآوری است.

پژوهش حاضر در چارچوب رویکرد کیفی و با استفاده از روش تحلیل مضمون به انجام رسیده است. این روش، فرایندی برای تحلیل داده‌های متنی است و داده‌های پراکنده و متنوع را به داده‌هایی غنی و تفصیلی تبدیل می‌کند. تحلیل مضمون عبارت است از: عمل کدگذاری و تحلیل داده‌ها با این هدف که داده‌ها چه می‌گویند. این نوع تحلیل

در وهله اول به دنبال الگویی در داده‌هاست. زمانی که الگویی از داده‌ها به دست آمد، باید حمایت تمی یا موضوعی از آن صورت گیرد. به عبارتی تم‌ها از داده‌ها نشئت می‌گیرند (محمدپور، ۱۳۹۲، ص ۶۶-۶۷). روش تحلیل مضمون

مورد استفاده در این پژوهش طرح شبکه مضامین مورد نظر استرلینگ (Stirling) (۲۰۰۱) است. این رویکرد کیفی به ما این امکان را می‌دهد که به بررسی عمیق محتوای کتاب بپردازیم و مضامین کلیدی را از متن استخراج کنیم (Sterling, 2021). در این رویکرد بر اساس فرایندی مشخص، مضامین پایه (کدها و نکات کلیدی موجود در

متن)، سازمان‌دهنده (ترکیب و تلخیص مضامین پایه) و فراگیر (اصول حاکم بر متن به‌عنوان یک کل) نظام‌مند می‌شوند. در ادامه این مضامین به‌صورت نقشه‌های شبکه تارنما (Web-Like Maps)، رسم و مضامین برجسته هریک از این سه سطح و روابط میان آنها نشان داده می‌شود. ابزار گردآوری داده‌ها در این بخش از پژوهش تحلیل دو کتاب صدرالمتألهین است. بدین منظور دستیابی به مضامین نهایی در چند مرحله صورت گرفت:

گام اول: گردآوری اطلاعات و تقطیع متن به واحدهای معنادار جهت شناسایی کدها است (Braun & Clarke, 2020). بدین منظور برای جمع‌آوری داده‌های در این قسمت دو کتاب کسر اصنام الجاهلیه و رساله سه اصل انتخاب شدند. ترجمه کسر اصنام مورد بازخوانی چندباره

قرار گرفت. رساله سه اصل که به فارسی موجود بود نیز در این بازخوانی بررسی شد. بعد از بازخوانی چندباره، تقطیع متن به واحدهای معنادار صورت گرفت. در دومین گام پس از انتخاب واحدهای معنادار، برچسب‌زنی به واحدهای معنادار که تقطیع شده بود، صورت گرفت. در گام سوم جست‌وجو و شناسایی مضامین (تطبیق دادن کدها با قالب مضامین، استخراج مضامین از بخش‌های کدگذاری‌شده متن و پالایش و بازبینی مضامین) انجام شد. پس از کدگذاری اولیه و در گام چهارم کدها در دسته‌های مرتبط سازماندهی شدند تا مضامین اصلی شناسایی گردند. این مراحل شامل تجزیه و تحلیل عمیق داده‌ها و ایجاد روابط بین مضامین می‌شود. به منظور افزایش اعتبار و اعتبارسنجی نتایج، از روش‌های اعتبارسنجی نظیر بررسی هم‌تا و بازخورد از اساتید و کارشناسان حوزه استفاده شد (Creswel & Poth, 2022). در گام پنجم ماتریس مضامین و تدوین گزارش (تلخیص شبکه مضامین و استخراج نمونه‌های جالب و مورد توجه از داده‌ها و مرتبط کردن نتایج تحلیل با سؤال‌های پژوهش و مبانی نظری) انجام گرفت. جهت روایی پژوهش نیز از نظرات دو نفر از اساتید بهره‌گیری شد. پایایی (صحت و اعتبار نتایج) نیز رفت‌وبرگشت چندباره مفاهیم و مضامین مورد تأیید قرار گرفت و دو نفر از اساتید پایایی کدهای به‌دست‌آمده را تأیید نمودند. در پایان نتایج تحلیل مضمون شامل شناسایی مضامین کلیدی از متن کتاب و بررسی روابط بین این مضامین صورت گرفت و از نقل‌قول‌های مستقیم و مثال‌های مشخص برای تقویت مضامین به‌دست‌آمده، استفاده شد تا عمق و غنای تحلیل افزایش یابد (Smith & Jones, 2023).

۱. چارچوب مفهومی

از نظر صدرالمتألهین، غایت نهایی عرفان، رسیدن به سعادت است که عارف در مسیر سیر و سلوک آن را مد نظر دارد. حال این انسان متشکل از دو گوهر نفسانی به نام روح و گوهر ظلمانی به نام جسد است و با نظر به اینکه کمال او وابسته به روح بوده، معرفت ویژگی برتر انسان نسبت به سایر موجودات است (صدرالمتألهین، ۱۳۷۱، ص ۱۵). متعلق این معرفت، معارف الهی است نه هر علمی و منظور از معارف الهی نیز شناخت خداوند، اسما و افعال الهی، اعتقاد به روز قیامت، کتب آسمانی، عوالم هستی، احوال نفس و چگونگی کمال آن است. از همین‌رو بالاترین معرفت، دستیابی به معرفت حضرت حق است (صدرالمتألهین، ۱۳۷۱، ص ۷۰-۷۷). بنابراین برترین افراد کسانی هستند که به این معرفت دست یافته باشند. اینکه انبیا فزونی این علم را از خداوند طلب می‌کردند (صدرالمتألهین، ۱۴۱۷ق، ج ۵، ص ۱۳) نشان از اهمیت آن دارد. کسب این معرفت بدون اعراض از دنیا امکان‌پذیر نیست؛ لذا فرد عارف با مجاهدت و مخالفت با نفسانیات (صدرالمتألهین، ۱۳۷۱، ص ۲۳-۳۴) و همچنین رعایت شریعت بدان دست می‌یابد. صدرالمتألهین از میان اقشار مختلف جامعه، تنها عارف و حکیم را برخوردار

از معرفت الهی دانسته که مصداق اتم آن امام در جامعه است و زمین هیچ‌گاه از وجود آن خالی نخواهد بود (صدرالمتألهین، ۱۳۸۸، ج ۵، ص ۱۵۵). تنها عارف ربانی است که عقل بالفعل است. درجه بالای معرفت را می‌توان در انبیا و ائمه علیهم‌السلام مشاهده کرد و تنها آنان شایسته رهبری و هدایت جامعه را دارند. از نظر صدرالمتألهین عرفا چهار سفر را طی می‌کنند:

۱. سفر از خلق به سوی حق؛

۲. سفر از حق به سوی حق با حق؛

۳. سفر از حق به سوی خلق با حق؛

۴. سفر در خلق با حق.

آنچه در اینجا با هدف این مقاله تناسب دارد سفر چهارم است. «سالک در این سفر، خلاق و آثار و لوازم آن را شهود می‌کند. به تفصیل به منافع و مضار اجتماع بشری و احوال خلاق پی می‌برد و به رجوع خلاق به حق و کیفیت آن، علم تفصیلی حاصل می‌نماید و خلق را به مقام جمع دعوت می‌کند» (آشتیانی، ۱۳۷۵، ص ۶۶۴-۶۶۸). به عبارتی در چهارمین سفر پس از طی تهذیب نفس و اصلاح خویش، از خداوند به سوی مردم سیر می‌کند؛ درحالی که نظر خدایی دارد تا بتواند به دستگیری از مردم و اصلاح جامعه بپردازد.

در چشم‌انداز حکمت متعالیه، حقیقت فلسفه به سفر بودن است؛ به تعبیر صریح ملاصدرا، فیلسوف و حکیم حقیقی، منطق پرواز را تعلیم می‌دهد؛ یعنی فیلسوف از جا کنده شدن را تعلیم می‌دهد (امامی‌جمعه، ۱۴۰۳، ص ۳۹۰). صدرالمتألهین در بحث فلسفه آفرینش و اینکه مقصود اولاً و بالذات از آن، ظهور عالم ربانی است، می‌نویسد که این امر برای کسی حاصل می‌شود که در دریایی از دریاها عمیق مکاشفات ذوقیه، غرقه باشد و همین جاست که او اسفار خود را منطق پرواز و آن را چگونه کنده شدن از زمین دانسته است (صدرالمتألهین، ۱۳۷۱، ص ۸۸). در این راستاست که شناخت افرادی که منطق پرواز را به دست آورده‌اند از نظر ملاصدرا ضرورت دارد.

۲. یافته‌های پژوهش

تجزیه و تحلیل واحدهای معنادار دو اثر ملاصدرا نشان داد که خصایصی همچون «معرفت‌گرا»، «مهدب»، «مستوری»، «ذاکر»، «مرگ‌اندیش»، «تولی و تبری»، «مجاهد هدایت‌گر» و «فیض‌بخش» مهم‌ترین مضامین فراگیری است که مختصات راهبران راستین را در مواجهه با بحران اجتماعی جاهلیت مقدس واکاوی می‌کند.

۲-۱. معرفت‌گرا

صدرالمتألهین در بیان انحرافات زمانه خود ریشه اصلی را متوجه جهل و نادانی دانسته است. از این رو هنگام بیان مختصات راهبران راستین، بر معرفت حضرت حق از سوی این راهبران تأکید دارد: «برترین مقام شناخت ذات

و صفات و افعال خداوند است و اینکه مرد اگر هست به جز عارف ربانی نیست» (صدرالمتألهین، ۱۳۷۱، ص ۴۷).
 سراسر رساله سه اصل به بحث از معرفت نفس و پیامدهای فقدان آن اختصاص دارد. صدرالمتألهین در این زمینه می‌نویسد: «قوم نشئه آخرت را به دل آدمی است و حیات دل را معرفت است» (صدرالمتألهین، ۱۳۷۷، ص ۶۰). منظور علم و معرفت «عارف به خدا و ملائکه و کتاب‌های خدا و رسولان و روز آخرت است» (صدرالمتألهین، ۱۳۷۷، ص ۷۸). این علم و معرفت صفت انبیا بوده که با مجاهدت و ریاضت به دست می‌آید (صدرالمتألهین، ۱۳۷۱، ص ۵۴). این مضامین در جدول (۱) آمده است.

جدول ۱: مضامین پایه، سازمان‌دهنده و فراگیر «معرفت‌گرا»

ردیف	مضامین پایه	مضامین سازمان‌دهنده	مضامین فراگیر
	<p>برترین مقام: شناخت ذات و صفات و افعال الهی عارف ربانی: مرد الهی کمال و تمامیت قلب انسان به علم و معرفت برترین علم: علم به حضرت باری تعالی کمال نفس: علم به خداوند یقینی و برهانی دانستن حقایق الهی و معالم ربانی در عارف و حکیم راستین</p>	<p>شناخت حق</p>	<p>معرفت‌گرا</p>
	<p>بیشترخواهی در علم از سوی برترین انبیا در ادعیه بیشترخواهی در علم: علم از احوال قیمومیت و کبریای ربوبی و چینش نظام هستی و عوالم ملکوت و احکام برزخی بالا و پایین علم صفت سرور پیامبران و برترین عمل اوصیا علم بخش بزرگی از صفات مؤمنان / علم میوه مجاهدت‌های تقوایندگان و نتیجه ریاضت‌های عبادتگرا علم الهی: سرور همه علوم و معارف و مبدأ آنها علم الهی: هدف همه حرفه‌ها و صنایع از نظر ژرف‌اندیشان: کردار برای احوال و احوال برای علوم و معارف برتری علوم بر احوال و اعمال از نظر ژرف‌اندیشان علوم هدف اصلی هدف آخرین از هر قصد و سیری: درک حضوری صورت چیزی علوم نظری برتر از علوم عملی آگاهی به برتری لذت معرفت از تمامی لذت‌های دنیایی برای عارف به یقین و راه کشف درک هر شیء همان‌طور که هست حکمای الهی و علمای ربانی دارای معرفت الربوبیه یا ائولوجیا (از نظر حکمت) اولیا و صدیقین در زبان شرع: صاحبان معرف ربوبی برترین بخش علوم مکاشفه‌ای و گرامی‌ترین آن معرفت خدای تعالی ذاتا هدف بودن معرفت خدا معرفت خدا عین سعادت حقیقی درک سعادت حقیقی تنها در آخرت معرفت خدا معرفتی آزاد و ناوابسته مقدمه بودن سایر معرفت‌ها نسبت به معرفت خدا ذاتا مطلوب بودن معرفت خدا نزد عارفان و حکمای الهی ادراک حق و دیدار جلال و جمال او برترین کمالات و لذیذترین سعادت‌ها به سبب صفای نفوس و پاک بودن ذات نفس انسانی با وحدت و تجردی خود سرمنشا تمامی افعال و تحریکات بدنی و حیوانی و طبیعی</p>	<p>علم و معرفت</p>	

<p>پیوستگی معرفت و عبادت</p>	<p>اکمال معرفت و محکم ساختن آن به وسیله عبادات شرعیه شروع در مجاهدت قبل از اکمال معرفت و محکم ساختن آن به وسیله عبادات شرعیه سبب گمراهی انواع عبادات: بدنی و قلبی، آشکارا و پنهان عبادات بدنی و قلبی: شریعت و دستورات الهی عبادات ذاتی و بندگی حکیمانه و فرمان‌بری ملکوتی: شناخت حق، شناخت مقربین و پیامبران و اوصیا و معرفت یافتن بر چگونگی بعث انبیا و نزول کتب و شناخت نفس، معاد روحانی و جسمانی برترین هدف از عبادت بدنی و ریاضت‌های نفسانی به دست آوردن معارف الهی</p>	
<p>معرفت نافذ</p>	<p>شناخت فرق میان خاوطر و وسوسه‌های شیطان شناخت فرق میان خاوطر و وسوسه‌های شیطان: مختص اهل ولایت و حکمت شناخت حیل‌ها و کیدهای پنهانی: مخصوص علمای درک‌کننده حقایق اشیا و مراتب وجود و درجات دوری و نزدیکی از حق معبود شگردهای شیطان در گمراه‌سازی</p>	
<p>خوف و خشیت مدام</p>	<p>حیای قلبی امید هراسناک بودن عارف ربانی از زندگی دنیوی‌ای مانع از ملاحظه تام ذات متعال بودن در خوف و خشیت گریه دائمی و حسرت و حسن و نوحه‌گری دراز فراگیری هیبت الهی وحشت‌زاترین ترس: ترس از دوری، بعد ترس از حجاب و بعد ترس از روگردانی و سپس ترس از عتاب و بعد ترس بدون خدا آرامش گرفتن شدت و ضعف در ترس نسبت به خدا</p>	

صدرالمآلهین با تأکید بسیار بر ارزش و اهمیت علم، درصدد است تا توهمات مدعیان راهبری را که ریشه در توهمات علمی آنان دارد نشان دهد؛ زیرا درک درست علم سبب می‌شود تا از گمراهی در اعتقادات نیز دور بمانند، به‌علاوه به درک صحیح‌تری از حضرت حق نیز برسند (صدرالمآلهین، ۱۳۷۱، ص ۴۸).

قدرت تمیز از دیگر مضامینی است که در اثر معرفت برای راهبران راستین صورت می‌پذیرد؛ بدین معنا که فرق میان خاوطر و وسوسه‌های شیطان را تشخیص می‌دهند و به تعبیر ملاصدرا «این شناخت بس پیچیده و باریک است و به‌طور کامل جز اهل ولایت و حکمت را میسر نباشد» (صدرالمآلهین، ۱۳۷۱، ص ۱۰۷؛ ۱۳۷۷، ص ۴۸-۴۹). صدرالمآلهین در این قدرت تمیز معتقد است که محب، دشمن‌شناس است و نقشه و حیل‌های و کیدهای پنهانی را تشخیصی داده و این شناخت «مخصوص علمایی است که حقایق اشیا و مراتب وجود و درجات دوری و نزدیکی از حق معبود را بشناسند و چگونگی فرا رفتن به‌سوی عالم ملکوت و رهایی از منزل ناسوتی را بدانند» (صدرالمآلهین، ۱۳۷۱، ص ۱۰۷). همچنین از نظر ملاصدرا معرفت نفس همان‌گونه که برای عرفا حاصل می‌شود، اگر برای دیگران صورت پذیرد «کشف قبور بر وی آسان است» (صدرالمآلهین، ۱۳۷۷، ص ۶۰) و قبر وی روضه‌ای از ریاض جنت خواهد بود. علاوه بر این، اولیای خدا به زیارت چنین انسانی می‌آیند و خداوند بر سینه چنین انسانی تجلی نموده و محل سلام

ملائکه و ارواح خواهد بود و این امر در حالت اول برای عارفان کامل صورت می‌پذیرد. به تعبیری دیگر «حقیقت و ماهیت نفس را به نور کشف و یقین دانستن جز عارفان را نصیب نیست» (صدرالمتألهین، ۱۳۷۷، ص ۴۹).

۲-۲. مهذب

کلید معرفت‌گرا بودن عارف و راهنمای راستین، در تهذیب نفس است؛ بدین معنا که تهذیب نفس و تطهیر دل موانع معرفت را از بین برمی‌دارد. مضامین تعلیم و آموزش، تجریدشده از ردائیل بیانگر مضمون فراگیر مهذب است که در جدول (۲) آمده است.

جدول ۲: مضامین پایه، سازمان‌دهنده و فراگیر «مهذب»

ردیف	مضامین پایه	مضامین سازمان‌دهنده	مضامین فراگیر
	خوددار و صابر در برابر رنج‌های ناشی از آموزش دستیابی نفس قدسی و نشئه نبوی و ولوی به قوت حدس بدون تعلیم بشری درک سریع مقدمات برای نفوس قدسیه به قوه حدس بدون نیاز به چینش حد وسط	بهره‌مندی از حدس قوی	
	دوری جستن از امیال حسی و خواهش‌های دنیایی دارا بودن فطرتی صاف و ذهنی خالی از گفته‌های بدعت‌سازان و طبعی پاک و فهمی تیزبین و درکی لطیف عصبانگر و لجباز نبودن برای هوس‌های خود پرخور و پرنوش نبودن امتناع ورزیدن روح از پستی‌ها پیشه ساختن ورع عدل‌پذیر در برابر نیکی سرکش در برابر ظلم متصف بودن به زهد حقیقی پاک بودن از اخلاق و خوی‌های خویش دائماً در راه دوست بودن و تقرب جستن به واسطه نوافل و مقدم داشتن خواست‌های او بر خواهش‌های خود عارف: خلاصی یافته از شرور شهوت‌ها و آفات مادی و مجرد شده	تجریدشده از ردائیل	مهذب

عرفان و تصوف اصیل در نگاه صدرالمتألهین، نه تنها نیازمند تهذیب نفس است، بلکه مبتنی بر آن است، بدین معنا که تهذیب نفس هم مقدمه و هم ذی‌المقدمه است؛ یعنی به‌عنوان یک ضرورت متصل و جاری در مسیر سیر و سلوک باید همراه سالک باشد. به بیان ملاصدرا «کسی جز عارف را ذات مجرد نشده است و کاملاً از شرور شهوت‌ها و آفات مادی خلاصی نیافته است»، به همین علت است که بزرگان صوفیه را مهذب می‌دانست و یکی از خصایص راهبران راستین را همین ویژگی معرفی می‌کند (صدرالمتألهین، ۱۳۷۱، ص ۶۸). ملاصدرا در رساله سه اصل وقتی سخن از تسویلات نفس اماره و مکاید شیطان به میان می‌آورد (صدرالمتألهین، ۱۳۷۷، ص ۶۸) تنها راه‌هایی از آفات این تسویلات و دستیابی به معرفت در اسما و صفات الهی را «جز به تصفیه باطن و ریاضت بدن و ترک جاه و شهوت و صیت و جمعیت دنیا و تجرید از رسوم و عادات خلق» میسر نمی‌داند

(صدرالمتألهین، ۱۳۷۷، ص ۶۹). تهذیب نفس چنان اهمیتی دارد که با باز شدن چشم و کنار رفتن حجاب‌ها، هر آیتی از آیت‌های قرآنی آیین‌های می‌شود روی نما که می‌تواند جمال باطن خود را در آن مشاهده کند و این خصیصه به تعبیر ملاصدرا «نقد وقت عارفان است» (صدرالمتألهین، ۱۳۷۷، ص ۱۱۲).

۳-۲. ذاکر

یکی از ابزارهای عالم‌نمایان و گروه‌های قدرت در زمانه ملاصدرا استفاده از «ذکر» جهت جلب نظر مردم و قرار گرفتن به‌عنوان مرجع بوده است. از همین رو صدرالمتألهین ذاکر بودن حقیقی را به‌عنوان مشخصه عارف و راهبر راستین بیان می‌کند که این مضامین با تجزیه و تحلیل واحدهای معنادار در جدول (۳) آمده است:

جدول ۳: مضامین پایه، سازمان‌دهنده و فراگیر «ذاکر»

ردیف	مضامین پایه	مضامین سازمان‌دهنده	مضامین فراگیر
	درک راز پنهان در ذکر توسط عارفان هدف ذکر: شناخت حق و آگاهی بر حقیقت نفس و عیب‌های آن و آفت‌های اعمال، شناخت الهامات حق، کیفیت کوتاهی بندگان در ستایش و رضا به قضا و قدرش و شناخت پستی دنیا و عیب‌ها و گذرانی و فنای آن و کوتاهی عمرش؛ و همچنین توجه به سنگینی امر آخرت و بهار خواب‌های آن و درجات نفوس بعد از مرگ ذکر مدح‌شده در شرع و ستوده‌شده به‌وسیله عقل و برهانی بودن و وجود احادیث در تحریص آن ذکر قلبی	توجه به ذکر حقیقی	ذاکر
	دوام داشتن دل به ذکر خدا آبادانی قلب به ذکر خدا	پیوستگی ذکر	

در مقابل این مدعیان، راهبران راستین قرار دارند که «زندگی خود را در آبادانی قلب به ذکر خداوندگار گذرانده؛ هر آینه آباد سازد مساجد خدا را کسی که به خدا ایمان آورده است» (صدرالمتألهین، ۱۳۷۱، ص ۴۹). منظور از ذکر خدا، معرفت و علم است، نه مجرد حرف و صوت و ذکر زبانی و آواز برکشیدن، همان‌گونه که عادت صوفی نمایان این دوره است (صدرالمتألهین، ۱۳۷۷، ص ۴۵). صدرالمتألهین هدف اصلی از ذکر را شناخت حق و آگاهی بر حقیقت نفس و علت‌های آن و آفت‌های اعمال (صدرالمتألهین، ۱۳۷۱، ص ۵۶) معرفی می‌کند. ایشان در ادامه می‌گوید: علت اینکه از شناخت حق سخن گفته شد در حقیقت «رازی پنهانی است که عارفان به کمک ذوق خود توانند دانست و نادانان و عارف‌نمایان را بدان راهی نیست» (صدرالمتألهین، ۱۳۷۱، ص ۵۶). چنین ذکر در شرع مدح‌شده و عقل آن را ستوده و برهان کشفی بر آن دلالت دارد. همچنین احادیثی نیز در این باره رسیده است، اما مدعیان راهبری سخنان ظاهر فریب شعری را در موعظه‌هایشان به کار می‌برند که در روایان نکوهش شده است (صدرالمتألهین، ۱۳۷۱، ص ۵۶). پس عارف و راهبر راستین کسی است که برای ذکر لفظی و زبانی ارزش قائل است و هدف از آن شناخت حق و تقرب به اوست و اگر ذکر در این اهداف به کار گرفته نشوند، نه‌تنها بی‌ارزش است، بلکه رهنز نیز خواهد بود.

۲-۴. مستوری

وجود گروه‌های مدعی و استفاده از تزویر و ریاکاری و در نتیجه همکاری با حکومت جائز، سبب شده بود تا راهبران راستین به دور از گروه زر و زور و تزویر زندگی کنند. صدرالمতألّهین در دو رساله خود با تعبیر مختلفی از این خصیصه یاد کرده که در جدول (۴) با مضمون فراگیر مستوری آمده است.

جدول ۴: مضامین پایه، سازمان‌دهنده و فراگیر «مستوری»

ردیف	مضامین پایه	مضامین سازمان‌دهنده	مضامین فراگیر
	حرام بودن افشای سر قدر کمیابتر بودن عارف از کیمیا / به دوش کشیدن سر امانت توسط عارف ذلیل دیدن و معرفت یافتن به پروردگار آنگونه که سزد: لال شدن زبان از ادعا	عدم افشای سر	مستوری
	عارف حقیجوی گریزان از همصحبتی خلق گریزانی عارفان از خلق و برگزیدن تنهایی و خلوت رویگردانی از اهل و اولاد و اشتغال به خدا تنهاییجویی و انسگیری با مناجات خدا و کتاب او و توجه به تهجد و غنیمت شمردن شب اشتغال به خدا برتر از اشتغال به اهل و اولاد برای عارف کمترین محبت: لذت بردن از تنهایی با حبیب و عشق به مناجات با خدا فراموشی همه غمها با تنهایی و مناجات و اندیشه در بزرگی و جلال او پنهان داشتن محبت و اجتناب از ادعا و تبری از اظهار وجود محبت به خاطر بزرگ شماری محبوب و هیبت او لب از سخن بستن: مشغول داشتن قلب عزلت و تنهایی: دفع مشغولیات اهل عرفان: داخل در حجاب عزت و پنهان از شناخت اهل فساد پنهان ماندن اهل الله و ارباب تصوف و حال و کمال پوشیده بودن حالات اهل الله و ارباب تصوف و ناشناخته ماندن مرتبه آنان / مستور بودن صوفی گری صوفی از عقول	خلوت‌گزینی	

	<p>بی‌رغبتی به دنیا</p>	<p>کوچک دیدن خلق به چشم عارف تنگ دیدن محدوده ریاست از نظر عارف فانی دیدن خلق و ریاست از نظر عارف ابتهاج حضرت حق: باقی بودن برای عارف غرفه بودن در نظاره دائمی برای عارف راه نداشتن مرگ به معرفت الله برای عارف محل معرفت الهی امری ربانی و آسمانی جولانگاه عارف: همه پهنای آسمانها و زمین پهنآوری نزهتگاههایشان به نسبت درجات دیدها و معارف برای عارف رغبت عارفان به نظر به ملکوت آسمانها و زمین بیش از رغبتشان به خوراک و دیگر امور جنسی نگاه عارفان به افراد در پستگاه شهوات: نگاه عقلا بر کودکان چسبیده به لذتهای کودکانه ناخودنمایی عارف ربانی موجب ناتوانی در قوت روزانه علمای حقیقی همان زاهدان: رویگردان از دنیاجویی نشانه خدادوستی: دوری گزیدن قلبی و باطنی از دنیا</p>
--	-------------------------	---

یکی دیگر از خصایصی که در مضامین به دست آمد و می‌تواند نشان‌دهنده راهبر راستین باشد «مستوری» و زیست پنهانی است، یعنی ملاصدرا علمای حقیقی را همان زهاد می‌داند؛ زیرا روی‌گردان از دنیا هستند و آنان که این صفت را داشته باشند، عالم نیز خوانده شده است (صدرالمآلهین، ۱۳۷۱، ص ۱۵۳). ملاصدرا در رساله *سه اصل* به اشاره به خصیصه دنیا دوستی عارف‌نمایان و مدعیان، معتقد که دشمنی و عداوت این مدعیان با «فقیران و گوشه‌نشینان» (صدرالمآلهین، ۱۳۷۷، ص ۷۶) به علت این است که آنان به مرض بودن حب دنیا (صدرالمآلهین، ۱۳۷۷، ص ۷۵) آگاه و معترف‌اند. این تعبیر «فقیران و گوشه‌نشینان» اشاره به عارفان و رهبران راستینی دارد که در از حب دنیا و جاه‌کناره‌گیری نموده‌اند. در توصیفی صدرالمآلهین تنهایی و خلوت‌گزینی راهبران راستین را گریزان از خلق و برگزیننده تنهایی و خلوت معرفی می‌کند که به علت اشتغال به خدا صورت گرفته است (صدرالمآلهین، ۱۳۷۷، ص ۱۵۳). ملاصدرا همچنین علت روی‌گردانی از خلق را در رساله *سه اصل* این می‌داند که اینان چون به حیات حقیقی زنده شده‌اند و نور علم و یقین در دلشان تأیید شده است، از صحبت مردمان متوحش شده، همان‌گونه که انسان از صحبت مردگان دچار توحش می‌شود (صدرالمآلهین، ۱۳۷۷، ص ۴۶).

همچنین ضمن تنهایی‌گزینی با خداوند از طریق مناجات نیز انس‌گیرنده هستند و شب را فرصتی برای تهجد و بریده شدن از اشتغالات انسان دانسته و از تنهایی که منجر به مناجات شود لذت می‌برند. از این رو می‌توان ادعای این افراد را در محبت خداوند باور داشت (صدرالمآلهین، ۱۳۷۱، ص ۹۷). صدرالمآلهین وجود این راهبران راستین در میان مردم را یک ودیعه الهی (صدرالمآلهین، ۱۳۷۱، ص ۷۳) می‌داند که ممکن مستور میان مردم باشد، یعنی فرقی هم ندارد که مردم او را

بشناسند یا نشناسند یا اینکه فرمانش را ببرند یا نبرند. این افراد به علت ناخودنمایی، ممکن است برای قوت روزانه خود نیز دچار مشکل باشد. چنان که پیامبر ما بسیار پیش می‌آمد که غذای روزانه خانواده خویش را از شخصی یهودی وام می‌گرفت تا ملکی آمده و خزائن زمین را بر وی عرضه داشت، بدون آنکه چیزی از درجات آخرت او کم شود و روحانیت زمین در برابرش کوچکی نمود و ملائکه‌ای که مأموریت او حفظ و پاسداری صورت نوعی است در برابر او کرنش نمود و او بندگی و احتیاج را برگزیده بود و جنبه امکانی را به ایثار ملذت و انکسار صحت می‌بخشید (صدرالمتألهین، ۱۳۷۱، ص ۷۴). چنین افرادی در عین اینکه ودیعه الهی‌اند، زبانشان از ادعا خالی است و از مقام خداوند حیا می‌کنند، چون خود را بنده ذلیلی در برابر پروردگارشان می‌دانند. فایده‌ای که بر مستوری زیستی راهبران راستین وجود دارد «دفع مشغولیات» (صدرالمتألهین، ۱۳۷۱، ص ۱۶۶) است؛ بدین معنا که گوش و چشم که دو دالان قلب محسوب می‌شود را مراقبت می‌کنند تا از این طرق و خلوت‌گزینی بتوانند ندای حق (صدرالمتألهین، ۱۳۷۱، ص ۱۶۶) و جلالت حضرت ربوبی را ببینند. چنانچه برای رسول خدا ﷺ در چنین حالتی ندا آمد و خداوند او را خطاب کلام الهی دانست (صدرالمتألهین، ۱۳۷۱، ص ۱۶۶).

۲-۵. مرگاندیش

دوستدار مرگ بودن خصیصه دیگری از راهبران راستین است که ملاصدرا آن را در پرتو وصل به لقای حبیب ترسیم می‌کند و در جدول (۵) آمده است:

جدول ۵: مضامین پایه، سازمان‌دهنده و فراگیر «مرگاندیش»

ردیف	مضامین پایه	مضامین سازمان‌دهنده	مضامین فراگیر
۱	دوست داشتن مرگ مرگ شرط درستی ادعای محبت دوری گزیدن از وسایل دنیوی و روی‌گردانی از انس گرفتن با مردمان و نفرت از شهوت‌ها و بی‌اعتنایی به رسم‌هایی چون انس با اهل زمانه و رفتن به پیش حکام و سلاطین هم‌عنان نشدن با کم‌سالان و جوانان و در پی هم‌نشینی آنان و دیگر افراد خوش‌گذران و بی‌کاره نبودن و دوری از کسانی که دل‌هایشان کشتگاه دنیادوستی و لذت‌جویی	حب مرگ	مرگاندیش
۲	آرزوی مرگ طبیعی جهت لقاءالله برای عارف ربانی مرگ کلید رستگاری به منزل محبوب دوست داشتن و آرزو نمودن نشانه محبت و ولایت تحمل درد کشته شدن در راه خدا شرط درستی ادعای آمادگی شهادت	اشتیاق مرگ	

از نظر صدرالمتألهین علاقه به مرگ بدین علت است که محبت واقعی راهبران راستین را بدین سمت می‌کشاند

که تنها راه وصول به محبوب، پشت سر گذاشتن مرگ است. از همین رو شوق به مرگ در او افزون می‌شود و سنگینی سفر مرگ از بین می‌رود (صدرالمتألهین، ۱۳۷۱، ص ۹۶). این امر تا بدانجاست که خداوند دوست داشتن مرگ را «نشانهٔ محبت و ولایت» و «شرط درستی ادعای محبت» خوانده است (صدرالمتألهین، ۱۳۷۱، ص ۹۶). شهادت عرصهٔ دیگری از اثبات این مدعاست برای آنان که ادعای دوستی خداوند را دارند (صدرالمتألهین، ۱۳۷۱، ص ۹۷) و نمونه والای آن را در ضربت خوردن حضرت علی علیه السلام و شهادت امام حسین علیه السلام و علاقه به شهادت می‌توان یافت که به یقین بقای دار عقبا حاصل شده بود و این جز به اختیار نبود (صدرالمتألهین، ۱۳۷۷، ص ۴۸) مضمون دیگری که نشان‌دهنده مرگ‌دوستی است، «دوری گزیدن از وسایل دنیوی و روی گردانی از انس گرفتن با مردمان و نفرت از شهوت‌ها و بی‌اعتنایی به رسم‌هایی همچون انس با اهل زمانه و رفتن به پیش حکام و سلاطین» (صدرالمتألهین، ۱۳۷۱، ص ۹۵) و همچنین پرهیز از معاشرت با افراد کم سن و سال و خوش‌گذران و بیکاره و دروی از افراد دنیا دوست است؛ زیرا این نوع معاشرت‌های طعم ماندگاری در دنیا را نزد انسان شیرین جلوه می‌دهد و باعث کینه و نفرت نسبت به مرگ می‌شود. در همین زمینه صدرالمتألهین بر دوری از این نوع ارتباطها تأکید دارد.

۶-۲. تبری و تولی

صدرالمتألهین در عبارات این دو رساله با بهره‌گیری از فلسفهٔ وجودی خود، در راستای سفرهای چهارگانه عارف (صدرالمتألهین، ۱۹۸۱، ج ۱، ص ۱۳-۱۵) از عشق به همهٔ انسان‌ها پرده برمی‌دارد؛ بدین معنا که تحلیل مضامین نشان داد راهبر راستین با تولی و تبری خود، متوجه ضرورت مقابله با جهل و ظلم زمانه بود و در عین حال به دنبال تحقق اهداف حکمت متعالیه که همان برقراری عدالت در جامعه و محبت ورزیدن به هم‌نوعان خود است. جدول (۶) این مضامین را نشان می‌دهد.

جدول ۶: مضامین پایه، سازمان‌دهنده و فراگیر «تولی و تبری»

مضامین پایه	مضامین سازمان‌دهنده	مضامین فراگیر	ردیف
	حب الهی	تولی و تبری	۱
	حب اولیا و علما		۲
	حب خلق		

منافات گناه با کامل شدن محبت
 عدم ضرر گناه به اصل محبت
 گناهان فراوان از بین برنده اصل محبت
 منافات داشتن نادانی فراوان با اصل علم
 دانشها (سیر نزولی سلسله اسباب، علم نفس آدمی و کیفیت
 تشریح اعضای بدن و قوای نفس انسانی): نردبان ترقی
 بهسوی حق
 جهل به این معارف و ادعای محبت کامل داشتن نزد افراد
 دارای بینش یعنی دروغپردازی
 کم و زیاد بودن محبت شخص به آثار و خلائق به نزدیک
 بودن یا دور بودنشان از خدا
 محبت کامل نسبت به خدا و خالص کردن دوستی: نیامیختن
 حرکات و عبادات با اغراض نفسانی
 محبت کامل نسبت به خدا با به دست آوردن معارف ربانی و
 حقایق الهی / به دست آوردن معارف ربانی و حقایق الهی: با
 از بین بردن موانع
 رویگردانی از جلبتوجه خلق و دوری گزیدنان از رسوم زمانه:
 متوقف بر چشیدن عرفان
 نشانه محبت: مستغرق گشتن تمامی عقل و فهم در لذت
 مناجات و انسگیری با خدا
 محبت سری از اسرار خدا در قلوب بندگان

فطرتاً دوستدار راستی و راستان و حکمت و حکیمان
 دوست داشتن علم و علما
 دوست داشتن علوم سماوی
 دوست داشتن پیامبران از جانب عارف به خاطر عشق به
 محبوب راستین و پیام‌دهنده
 محبت به شخص پیام‌آور برای عارف طفیلی محبت به
 پیام‌دهنده
 اولیا و علما و مؤمنان به‌عنوان محبوب عارف به سبب ارتباط و
 انتساب به معرفت حق نه به نحو مستقل
 محبت عارف به هر چیزی و هر کسی برگشت به محبت خدا
 محبت‌ورزی به اثر همان مؤثروورزی به مؤثر

بر رحیمان مهربان
 مهربان بودن با خلق خدا و بندگان

۴	برجباران و متکبران خشمناک و دشمنی با دشمنان خدا که کفار و ظالمان و گناهکاران و بدکاران تذکر و خرد‌هگیری در جاهلان صوفینما	دشمنی دشمنان	
---	--	--------------	--

مضمون فراگیر دیگری که بیانگر مختصات راهبران راستین است، محبت ورزیدن به خداوند و مخلوقات او و دشمنی با کفار، ظالمان و گناهکاران است. این امر در آیات الهی نیز بدان اشاره شده (فتح: ۲۹) و این خصیصه ناشی از حب الهی است که زمانی انسان محبت واقعی نسبت به خداوند داشته باشد، همه اجزای عالم و صور کائنات را نوشته الهی می‌داند که به قلم الهی نگارش یافته است (صدرالمتألهین، ۱۳۷۱، ص ۱۰۰)، پس بدان حب می‌ورزد.

صدرالمتألهین در بیانی دیگر، محبت ورزیدن به اثر مؤثر را همان محبت ورزیدن به خود مؤثر می‌داند (صدرالمتألهین، ۱۳۷۱، ص ۱۰۰). چنانچه در آیات الهی نیز بدن اشاره شده است (آل عمران: ۳۱). از نظر ملاصدرا این محبت به آثار مؤثر دارای شدت و ضعف است؛ زیرا با دوستی و محبت مؤثر در پیوند است؛ یعنی این محبت به مقدار دوستی و نزدیکی و دور بودن از بستگی دارد (صدرالمتألهین، ۱۳۷۱، ص ۱۰۰).

حال چنین راهبر راستینی از طریق نوافل به خداوند تقرب پیدا می‌کند و به دنبال این است که خواسته‌های محبوب خود را بر خواهش‌های خود مقدم بدارد. از نظر صدرالمتألهین چنین انسانی به دنبال دانش و پاکی است و از هوس‌ها دوری گزیده (صدرالمتألهین، ۱۳۷۱، ص ۹۸)؛ زیرا انسانی که دوستدار خداوند است گرد معصیت نمی‌گردد تا فرمان‌برداری خود را به اثبات برساند. این محبت به دوست داشتن علم و علما نیز سرایت پیدا می‌کند؛ زیرا «اگر کسی را دوستداریم، دوستدار آنان که توان احوال دوست از آنان پرسید و صفات و کارهای او را استفسار کرد نیز خواهیم بود» (صدرالمتألهین، ۱۳۷۱، ص ۹۹). در مرحله دیگر این محبت نسبت به علوم سماوی نیز در جریان است «و دریافتن اینکه سیر نزولی سلسله اسباب به چه سان است و عظام امور الهیه مانند عقول و نفوس کلیه چگونه‌اند» (صدرالمتألهین، ۱۳۷۱، ص ۹۹) و همچنین «علم نفس آدمی که گفته‌اند آنکه نفس را شناسد حق را بشناسد و همچنین کیفیت تشریح اعضای بدن و قوای نفس انسانی و اینکه چگونه انسان از اسفل سافلین به اعلی‌علیین تواند رسید» (صدرالمتألهین، ۱۳۷۱، ص ۹۹).

پنهانی محبت محبوب ورزیدن و پرهیز از ادعا و بیزاری از اظهار محبت، یکی از نشانه‌های راهبران راستین است که به علت «بزرگ‌شماری محبوب و بزرگداری او و هیبت از او و غیرت بر سر او» (صدرالمتألهین، ۱۳۷۱، ص ۱۰۴) برای آنان رخ می‌دهد. این بدان جهت است که این راهبران راستین، محبت را سری از اسرار الهی دانسته که جایگاهش قلوب بندگان است. به تعبیر ملاصدرا «بندگانی که در پرده‌های کتمان از دیدگان دورماندگان از خدا پنهان‌اند، همچنان که در حدیثی در حق اینان آمده است: اولیای من در زیر قبه منند، جز من آنان را

نشاند» (صدرالمتألهین، ۱۳۷۱، ص ۱۰۴).

مضمون سازمان‌دهنده دیگری که با محبت پیوند دارد، «هیبت الهی» است. این ترس و خوف و خشیت از نظر صدرالمتألهین ریشه در این دارد که هر چه فرد از علوم حقیقیه آگاه‌تر باشد، دچار این خوف و خشیت می‌شود (صدرالمتألهین، ۱۳۷۷، ص ۸۴). از همین روست که ملاصدرا این پندار را که دوستی و محبت با ترس سازگاری ندارد را خطا دانسته و می‌نویسد: «میان ترس از خشم و عقاب و ترس از شدت عظمت و جلال فرق بسیار است» (صدرالمتألهین، ۱۳۷۱، ص ۱۰۲). آن ترسی که مد نظر ملاصدرا است و از خصایص راهبران راستین است و در پیوند با محبت و تولی معنا می‌یابد، ترسی تشکیکی است که در سنجش نسبت به هم، برخی از برخی دیگر ترسناک‌تر است. ترس از دوری، وحشت‌زاترین آن است و بعد از آن ترس از دوری قرار دارد. در رتبه بعد، ترس از حجاب و مرحله بعد ترس از روی گردانی و در آخرین رتبه ترس از عتاب (صدرالمتألهین، ۱۳۷۱، ص ۱۰۳)

۲-۷. مجاهد هدایتگر

یکی از خصایص دیگر راهبران راستین که در مضامین سازمان‌دهنده به دست آمد، مجاهد هدایتگر بودن است که با وجود رسالت اجتماعی فیلسوف این خصیصه جایگاه ویژه‌ای در عدالت اجتماعی می‌یابد. این خصیصه در قالب مضمون فوق در جدول (۷) آمده است.

جدول ۷: مضامین پایه، سازمان‌دهنده و فراگیر «مجاهد هدایتگر»

ردیف	مضامین پایه	مضامین سازمان‌دهنده	مضامین فراگیر
۱	<p>همت در طول زندگی گذراندن عمر خود در طاعت خداوند و معصیت نمودن وجه همت عارف: وجه الله به حرکات و سکناات و خواستن رضای الهی همه تلاش عارف: در همه عبادت‌ها و حرکت‌ها و سکون‌ها و خلوت‌ها و جلوت‌ها و تنهایی‌ها و با مردم بودن‌ها و مشغول بودن و مشغول نبودن‌هایش در جست‌وجوی نزدیک گشتن به خدا راه مجاهدت در پاک‌سازی هر صفت نکوهیده‌ای مخالفت هوای نفس و شهوت</p>	مجاهدت و تلاش	مجاهد هدایتگر

	نجات خود	<p>عارف چون نوح مشغول آماده‌سازی کشتی نجات از غرقه شدن در دریای هیولا در امان ماندن از بدعاقبتی و خسران تلاش عارف برای رهانندن خود و دیگران از دریده شدن به‌وسیله تمساح‌های هوای نفس شایسته سروری بودن عارف راستین خواه از او بهره ببرند خواه نه فایده نبردن از عارف راستین ناشی از کوتاهی دیگران نه کمبود خود عارف بازشناسی احوال هر فرقه از ناس و نسناس</p>	۲
	دستگیری از دیگری	<p>تلاش عارف برای رهانندن خود و دیگران از دریده شدن به‌وسیله تمساح‌های هوای نفس کشتی نجات بودن عارف برای دیگران</p>	۳

منظور این است که راهبر راستین تنها وقت خود را صرف خلوت‌گزینی و مستوری زندگی خود نمی‌کند، بلکه در پی نجات دیگران نیز هست و نوح‌وار در حال آماده‌سازی کشتی نجات و در پی رهانندن خود و دیگران از دریده شدن به‌وسیله تمساح‌های هوای نفس است (صدرالمتألهین، ۱۳۷۱، ص ۸۳). عارف از نظر ملاصدرا خلق را آیینۀ خدای نما و واسطه ملاحظه صفات الهی می‌داند (صدرالمتألهین، ۱۳۷۷، ص ۱۰۱). از همین رو نسبت به نجات دیگران در آخرین سفر (سفر چهارم) اقدام می‌کند. صدرالمتألهین راهبران راستین را افرادی اجتماعی در بطن جامعه معرفی می‌کند که در برابر خیر و عدل انعطاف دارند و در برابر شر و جور سختگیر و غیرمنعطف هستند (صدرالمتألهین، ۱۳۷۱، ص ۹۹). هرچند این خصیصه در بحث تولی و تبری گذشت، ولی این خصیصه نشان‌دهنده این است که از نظر ملاصدرا راهبر راستین خواه فقیه باشد، خواه شیخ و عارف در برابر جامعه خود و همه افراد مسئولیت دارد و باید فردی حساس، آگاه و دارای موضع باشد. چنانچه حضرت نوح برای نجات قومش با وجود همه شرایط نابسامان جامعه خود، دست از تلاش برای هدایتگری آنان برنداشت.

۲-۸. فیض‌بخش

تحلیل مضامین نشان داد که راهبر واقعی واسطه هستی و هدف اصلی و بالذات آفرینش است و سایر موجودات وجود طفیلی دارند. این تحلیل در قالب مضمون فراگیر فیض‌بخش در جدول (۸) آمده است.

جدول ۸: مضامین پایه، سازمان دهنده و فراگیر «فیض بخش»

ردیف	مضامین پایه	مضامین سازمان دهنده	مضامین فراگیر
۱	مخلوقات روشن به انوار قدرت خداوندی به واسطه کانال انسان کامل سزاواری سروری عارف ربانی ودیعه خدایی محبوب بودن عرفا چون شناسا هستند محبوب خدایند خلق شدن و رزق داده شدن سایرین به خاطر عرفا	واسطه وجود	
۲	غرض اصلی از خلقت: عالم ربانی غرض از مخلوقات دیگر: وسایلی برای آماده سازی وجود عالم ربانی حکیم الهی و عارف ربانی سرور عالم: نخستین مقصود خلقت فرمانروا بر همه خلائق و مخلوقات موجود به طفیل اول و فرمان بردار اوامر او اهل عرفان: هدف هستی و ثمره ایجاد مقدمی بودن خلقت سایرین نسبت به وجود عارف	هدف خلقت	فیض بخش

در منظومه عرفانی ملاصدرا، راهبران راستین فیض بخش هستی اند؛ بدین معنا که غرض اصلی خلقت، خلق «عالم ربانی» است و سایر مخلوقات از چند حال خارج نیست یا وسایلی برای آماده سازی وجود «عالم ربانی» است و دیگران به طفیلی وجود او و از باقی مانده خمیرمایه او موجودند یا چون ترشحاتی از دریای هستی اند که دریای وجود حق، بر ظروف قابلی آنها افزوده شده است. بنابراین انوار حق از کانال انسان کامل به سایر مخلوقات می رسد (صدرالمتألهین، ۱۳۷۱، ص ۸۸). ملاصدرا در تعبیری دیگر بیان می دارد که «حکیم الهی و عارف ربانی سرور عالم است و بذات کامل خود که منور به نور حق است و فروغ گیرنده از پرتوهای الهی است، سزاوار است تا نخستین مقصود خلقت باشد و فرمانروا بر همگی خلائق و مخلوقات دیگر به طفیل وجود او موجود و فرمان بردار اوامر اویند» (صدرالمتألهین، ۱۳۷۱، ص ۷۳). علت فیض بخشی این راهبران راستین در نگاه ملاصدرا این است که محبوب خداوند هستند؛ از این رو دیگران به خاطر آنها خلق شده اند (صدرالمتألهین، ۱۳۷۱، ص ۷۳). راهبران راستین، سزاوار سروری و ودیعه الهی بوده (صدرالمتألهین، ۱۳۷۱، ص ۶۹)، خواه دیگران آنها را نشناسند و از آنان اطاعت کنند، خواه نشناسند و او را انکار کنند.

چنانچه در مضامین قبل اشاره شد، مستوری زیستن از خصایص این افراد است به همین علت چه «بسا پیش آید که چنین کس در اثر ناخودنمایی میان مردمان حتی قوت روزانه خود را نداشته باشد» (صدرالمتألهین، ۱۳۷۱، ص ۷۴). چنانچه در سیره پیامبر اکرم ﷺ نیز این گونه از سختی در تهیه غذای روزانه نقل شده است. همچنانکه این راهبران راستین، سبب خلقت اند، نجات بخش خود و دیگران در این دنیا هستند (صدرالمتألهین، ۱۳۷۱، ص ۸۳) و در روز قیامت نیز در ظل حمایت شفاعت آنان مشفوع می شوند (صدرالمتألهین، ۱۳۷۷، ص ۵۶) صدرالمتألهین، بعد از بیان خصایص این راهبران واقعی و راستین، بیان می دارد که مواردی که ذکر آن

گذشت نشانه‌های محبین خداوند است که در کتب عرفا بیان شده است تا میزانی قرار گیرد برای شناسایی راهبران راستین از مدعیان دروغین راهبری. مدعیانی که «رهر و راه شهوت‌هایند و بسته زنجیرهای وابستگی‌ها و اسیر دست لشکریان شیطان و از جوار انوار خداوندی و ملکوتیان مقدس او دور گشته و به فرمان‌بری ظلمات قوایی که به اسفل سافلین فرواندرند، گرویده‌اند» (صدرالمآلهین، ۱۳۷۱، ص ۱۱۱).

نتیجه‌گیری

در جامعه‌ی زمان صدرالمآلهین ظاهرگرایی رو به رشدی در جامعه دیده می‌شد که تنها در عرفان نبود، بلکه در فقه، حکمت، فهم قرآن و روایات نیز از سوی عارف‌مسلکان و حکیم‌نمایان شیوع یافته بود. این نوع ظاهرگرایی در دین، جهل و جمود مقدس در جامعه را در پی داشته که با همراهی گروه قدرت در حال شکل‌گیری (مدعیان حکمت و عرفان) و معاونت با دستگاه جائر، بی‌عدالتی و ظلم مضاعف بر عامه مردم را رقم می‌زد. وجود ظلم و بی‌عدالتی در پی بحران جاهلیت، انسداد باب معرفت الهی و سیر آحاد جامعه به سمت کمال‌نهایی را به دنبال دارد. حال ملاصدرا برای اینکه بتواند رسالت خود را به‌عنوان فیلسوف اجتماعی انجام دهد و ظلم و بی‌عدالتی این جماعت را نشان دهد، به‌عنوان راهکاری جهت خروج از این بحران، به معرفی و بیان مختصات عارفان حقیقی و حکیم و صاحبان معرفت می‌پردازد؛ بنابراین:

۱. صدرالمآلهین در دو رساله *کسر اصنام* و *سه اصل*، به‌عنوان فیلسوف اجتماعی شناخت عارف راستین و هادی واقعی در جامعه را با وجود بحران همه‌گیر جاهلیت، با زیرکی بر عهده تک‌تک افراد جامعه می‌داند. این امر حاکی از این است که حکمت و عرفان در اندیشه ملاصدرا جنبه‌ی اجتماعی دارد که به همه‌ی افراد جامعه مرتبط است. با نظر به اینکه گروه‌های مرجعی در کسوت عارف، صوفی، فقیه، حکیم و عالم در جامعه در حال شکل‌گیری بوده که منجر به ارائه‌ی فهمی ظاهرگرایانه از دین شده و جاهلیت مقدس را رقم زده بود، پرداختن به خصایص رهبر راستین از نظر ملاصدرا امری خطیر بوده که ضمن معرفی راهبر واقعی، نحوه‌ی زندگی و چگونگی زیست عارف را در ارتباط با مردم تبیین می‌کند؛ زیرا مصالح و منافع مردم در شناخت عارف راستین است تا در دفاع از حقوق ضایع‌شده مردم اقدام نماید و در صورت لزوم به مقابله با حاکمان و مدعیان اقدام کند.

۲. تحلیل دو کتاب مذکور حاکی از این است که حکمت و فلسفه حقیقی، مستلزم حضور در اجتماع و دفاع از عدالت است. همین رسالت خطیر است که ملاصدرا را بر آن داشته تا با شناخت راهبر و حکیم واقعی را بر همه‌ی افراد جامعه لازم بداند و آنان را بدین امر خطاب کند.

۳. انحراف اجتماعی متأثر از انحراف در حوزه‌ی فردی است، بدین معنا که فرد صالح نقش‌مبنایی در ساختن جامعه‌ی صالح دارد. با بهره‌مندی از سعه‌ی وجودی فردی، دایره‌ی اثرگذاری بر دیگران و جامعه بیشتر خواهد شد و

این مقام و جایگاه برای افراد صاحب نفوذ و منزلت چون علما، حکما، فقها و افراد مرجع در جامعه در طیف مثبت یا منفی دارای اثرگذاری بیشتری است. در همین راستا می‌توان گفت جامعه فاضله و رشدیافته در گرو افراد هادی و هدایت‌یافته عادل است.

۴. همچنین عرفان اسلامی درصدد تربیت انسانی‌هایی است که در عین مستوری و گمنامی به جهت دوری از اضلاع قدرت (زر، زور، تزویر) در متن جامعه مردمدار است و این همان سفر چهارمی است که در اسفار عرفا آمده است. این راهبران راستین با تأسی به پیامبر ﷺ و ائمه علیهم‌السلام در بستر اجتماع در پیوند با حکومت، سیاست، مدیریت اجتماعی، مردم‌داری، اقامه عدالت و حتی توجه به بعد اقتصادی اهتمام دارند، بلکه پرداختن به اجتماع را مقدمه مصون ماندن اجتماع از کج‌روی و انحراف می‌دانند. از همین روی رسالت اولیای الهی در هدایت فرد و جامعه جهت اقامه عدالت بس خطیر است.

منابع

- آبیار، زهرا و آبیار، شهلا (۱۴۰۰). خوانش قرآنی ملاصدرا در پاسخ به انحرافات فکری و فرهنگی عارف‌نمایان عصر (با تأکید بر کتاب کسر اصنام الجاهلیه). *قرآن، فرهنگ و تمدن*، ۲(۱)، ۹۸-۱۱۸.
- آشتیانی، سیدجلال‌الدین (۱۳۷۵). شرح مقدمه قیصری بر فصوص الحکم. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- امامی جمعه، مهدی (۱۳۹۵). سیر تحول مکتب فلسفی اصفهان از ابن‌سینا تا ملاصدرا. تهران: مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران.
- امامی جمعه، مهدی (۱۴۰۳). درآمدی بر فلسفه اجتماعی حکمت متعالیه. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- پازوکی، شهرام (۱۳۸۳). ملاصدرا عرفان، تصوف. مجموعه مقالات منتخب دومین همایش جهانی حکیم ملاصدرا. تهران: بنیاد حکمت اسلامی صدرا.
- خرقانی، ابوالحسن (۱۳۹۴). نورالعلوم. به کوشش عبدالرفیع حقیقت. تهران: کتابخانه بهجت.
- صدرالمتألهین (۱۳۷۱). عرفان و عارف‌نمایان، ترجمه کسر اصنام الجاهلیه. ترجمه محسن بیدارفر. تهران: الزهراء.
- صدرالمتألهین (۱۳۷۷). رساله سه اصل. تصحیح و مقدمه حسین نصر. تهران: مولی.
- صدرالمتألهین (۱۳۸۸). شرح اصول کافی. با اشراف سیدمحمد خامنه‌ای. تصحیح سبحانعلی کوشا. تهران: بنیاد حکمت صدرا.
- صدرالمتألهین (۱۴۱۷ق). تفسیر القرآن الکریم. تهران: بنیاد حکمت صدرا.
- صدرالمتألهین (۱۹۸۱م). الحکمة المتعالیه فی الاسفار العقلیه الاربعه. چ سوم. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- عین‌القضات همدانی (۱۳۸۷). نامه‌های عین‌القضات. به اهتمام علی‌نقی منزوی و عقیف عسیران. تهران: اساطیر.
- غزالی، ابوحامد (۱۳۷۴). کیمیای سعادت. به کوشش حسین خدیو‌جم. تهران: علمی و فرهنگی.
- محمدپور، احمد (۱۳۹۲). روش تحقیق کیفی ضد روش دو؛ مراحل و رویه‌های عملی در روش‌شناسی کیفی. تهران: جامعه‌شناسان ملکی، سمیه و دیگران (۱۴۰۰). بررسی تبعات اجتماعی، فرهنگی و اخلاقی الهیات ظاهرگرایانه از منظر ملاصدرا. حکمت معاصر، ۱(۱۲)، ۲۵۱-۲۶۶.

Braun, V, & Clarke, V (2020). Reflecting on reflexive thematic analysis. *Qualitative Research in Psychology*, 18(3), 328-344.

Creswell, J. W, & Poth, C. N (2022). *Qualitative Inquiry and Research Design: Choosing Among Five Approaches* (p. 95-110). SAGE Publications.

Smith, R, & Jones, A (2023). Analyzing literary texts: A qualitative approach. *Journal of Literary Studies*, 45(2), 145-162.

Sterling, M (2021). Thematic analysis in qualitative research: A practical guide. *Qualitative Research*, 21(3), 455-471.